احکام

# حکم شرط بندی در رقابت‌های ورزشی

بر اساس نظر تمام مراجع تقلید، هر نوع بازی که به صورت برد و باخت و همراه با شرط بندی باشد، حرام است؛ مگر در مسابقه تیراندازی و اسب‌سواری و میان خود سواکاران. خبرگزاری تسنیم به منظور تبیین این موضوع که موجب جلب توجه عده‌ای از جوانان در جامعه شده، به بررسی استفتائات و احکام دینی مراجع عظام تقلید درخصوص حکم شرط بندی بر برد و باخت در بازی‌ها و مسابقات ورزشی پرداخته است.

■ **حکم شرط بندی در مسابقات ورزشی**

**سؤال:** آیا هر بازی که در آن برد و باخت همراه شرط بندی انجام گیرد، حرام است؟

**تمام مراجع:** هر نوع بازی که به صورت برد و باخت و شرط بندی باشد حرام است؛ مگر در مسابقه تیراندازی و اسب‌سواری.

■ **شرط بندی تماشاچیان**

**سؤال:** آیا تماشاچیان مسابقات اسبدوانی و تیراندازی می‌توانند با یکدیگر در پیش‌بینی نفرات برتر شرط بندی نموده و دریافت پول کنند؟

**همه مراجع:** خیر این کار حکم قمار دارد و حرام است.

■ **شرط بندی فوتبال**

**سؤال:** بیشتر اوقات مشاهده می‌شود عده‌ای در مسابقات فوتبال و... مبلغ کمی را تعیین و روی آن شرط بندی می‌کنند و هر گروه یا تیمی که برنده می‌شود، با آن پول مواد خوراکی خریداری کرده و همگی با هم می‌خورند؛ آیا این عمل حرام است؟

**همه مراجع:** این عمل قمار و شرط بندی محسوب می‌شود و حرام است، مگر آنکه آن مبلغ را پس از بازی از روی رضایت ببخشند.

■ **جایزه‌پیشگویی مسابقات**

**سؤال:** بعضی از بنگاه‌های خصوصی، با توجه به علاقه شدید جوانان به ورزش فوتبال اوراقی را در معرض فروش قرار داده و از خریداران می‌خواهند نتیجه مسابقات بین تیم‌های ورزشی را پیشگویی کنند و به کسانی که صحیح‌ترین پاسخ را بدهند، جایزه نقدی اعطا می‌کنند. آیا این کار جایز است؟

**همه مراجع:** خیر این کار قمار و حرام است.

■ **مسابقه موتورسواری**

**سؤال:** آیا در مسابقه موتورسواری و مانند آن، که در این عصر جنبه نظامی دارد، شرط بندی میان خود نفرات جایز است؟

**همه مراجع (به جز نوری):** خیر، جایز نیست.

**آیت‌الله نوری:** اگر دارای غرض عقلایی باشد، شرط بندی در آن اشکال ندارد.

■ **شرط بندی مسابقات اسبدوانی**

**سؤال:** اگر مالکان اسب یا سواکاران در مسابقه کورس به تماشاچیان وکالت دهند میان خود نفرات برتر را پیش‌بینی و شرط بندی کنند؛ آیا شرعاً مبالغ یا اجناس رد و بدل شده حلال خواهد بود؟

**همه مراجع:** خیر جایز نیست و تنها این امر (شرط بندی) میان خود سواکاران مشروعیت دارد.

■ **تعیین جایزه در مسابقات ورزشی**

**سؤال:** آیا در بازی‌های ورزشی، تعیین جایزه از شخص یا گروه سوم (غیر از مسابقه دهندگان) اشکال دارد؟

**همه مراجع:** در فرض یاد شده، اشکال ندارد.

خاطرات علما

آیت‌الله العظمی بروجردی

**رسم من نیست که از ملوک هدیه قبول کنم**

آقایه ملاقات با او اظهار بی‌میلی می‌فرمود، زیرا مصلحت نمی‌دیدند او به قم بیاید و به زیارت حضرت معصومه(س) نرود، مع ذلک سعود هدایایی خدمت آقا تقدیم داشت که متضمن قرآن کریم و پرده خانه کعبه معظمه و تعدادی عبای نفیس بود. آقا در جواب او آن نامه از جمله این سران، ملک سعود، پادشاه وقت عربستان بود که قبلاً هم بین جلاله ملک سعود و الامام البروجردی تظهر منها السماحه الروحانیه» منتشر شد.

آقا در این نامه پس از تعارفات، می‌فرمایند:

«رسم من نیست که از ملوک و سران هدیه قبول کنم، ولی چون هدایای شما متضمن دو چیز بزرگ (قرآن کریم و پرده خانه کعبه) بود آن دو را پذیرفتم و اما عباهارا فرستادم که شما هنگام نماز در آن‌ها به من هم دعا کنید و من هم به شما هدیه می‌کنم حدیثی را که در احکام حج، مسلم از حضرت امام جعفر صادق(ع) روایت نموده است».

آنچه در این نامه مهم بود، اول توجه و احاطه آقا به احادیث و روایات عامه است و دوم این حسن انتخاب، زیرا این حکام عربستان به کمان خود، خود را خادم حرمین شریفین و مقامی می‌دانند که فریضه حج که از شعائر بزرگ اسلام و ارکان دین است زیر نظر آن‌ها همه ساله به آن تشریفات با شکوه و حضور میلیونی مسلمانان دنیا برگزار می‌شود، امابرنامه این فریضه و احکام آن، مرهون علم امام شیعه امام جعفر صادق(ع) است؛ امامی که وهابی‌های جاهل - که در حرمین، چشم دشمنان اسلام را از تخریب آثار تاریخی و مدارک تاریخ اسلام روشن کرده و این همه پیشوا نه واقعی و ملموس را از تاریخ گرفته‌اند- مزار شریف و مرقد مبارک شیرازه‌ها و یاران نموده‌اند. آری امر هرطور این حدیث مفصل است که حدود ۴۰۰ فرع از احکام مهمه حج از آن استنباط می‌شود به گفته ابوحنیفه: «امت در احکام حج، عائله جعفر بن محمد(ع) هستند» هدیه این حدیث به سلطان وهابی عربستان، اخطارها و هشدارهایی داشت که اهل فکر و نظر درک می‌کنند.

برگرفته از کتاب فخر دوران به قلم آیت‌الله مصافی گلپایگانی

دیدگاه

مهاجرنیا در نشست «فرایند تحقق انقلاب اسلامی»:

# انقلاب اسلامی ایران پیام‌آور تمدنی جدید بود

حجت‌الاسلام محسن مهاجرنیا، استادیار گروه سیاست پژوهشکده نظام‌های اسلامی در پانزدهمین نشست از هفتمین دوره سلسله نشست‌های دوره‌ای کرسی‌های آزاداندیشی که با موضوع «فرایند تحقق انقلاب اسلامی» برگزار می‌شود، گفت: منشور تمدن‌سازی انقلاب اسلامی بر ۱۰ اصل اساسی استوار است و همین اصول، اساس فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی هستند.

به گزارش تسنیم، مهاجرنیا در تحلیل ماهیت تمدن‌ها گفت: از زمانی که تمدن از همنشینی انحصاری تاریخ جدا شد و به عرصه جامعه‌شناسی و سیاست و آینده‌پژوهی گام نهاد، از سلطه پروسه‌واگرای جبر تاریخ رهید و وارد پروژه‌واگرای آرادی و تحت قدرت سازندگی بشر قرار گرفت. شکوه، شوکت، جلال، جبروت، فخر و تعصب تمدنی از پیشینه بشر به سمت پسینه و حال و مآل جوامع منتقل شده است. تمدن آبایی به سمت تمدن ابنایی و تمدن اسلافی به تمدن اخلافی متحول شده است.

این استاد حوزه و دانشگاه افزود: در هر دو دوره گذشته و حال، تمدن تبلوری از «دهستی شناسی» و روایتگر فرهنگ یک ملت است اما در فرایند تمدن‌سازی مدرن، «نیستی» هم فراچنگ تمدن قرار گرفت تا بشر امروز از ترس ثبت فقدان‌ها، نداشتن‌ها، بی‌فرصت‌ها، بی‌هنری‌ها، بی‌اخلاقی‌ها، بی‌تحملی‌ها، بی‌توسعه‌ای‌ها، ناسازگاری‌ها، نافرجامی‌ها، ناامیدی‌ها و ناجوانمردی‌ها در هویت تمدنی‌اش و گریز از یأس‌ها، ترس‌ها، بغض‌ها، کینه‌ها، دشمنی‌ها، خشونت‌ها، تفرقه‌ها، جدایی‌ها، واگرایی‌ها و شکاف‌ها، بخشی از اهتمام خویش را در روند زندگی‌ساز، نظام‌سازی، دولت‌سازی، جامعه‌سازی، به پروژه فراگیر «تمدن‌سازی» اختصاص دهد.

استاد و پژوهشگر حوزه سیاسی در ادامه به گونه‌شناسی تمدن‌های تاریخی اشاره کرد و گفت: مطالعات تاریخی تمدنی نشان می‌دهد دوره‌های تمدنی متفاوتی بر بشر گذشته است که البته ذوق و دانگه پژوهشگران در شناسایی هویتی تمدن‌ها دخیل بوده است، آنانی که پایه تمدن را بر آبادانی و نوع معیشت بشر قرار داده‌اند از سه گونه تمدن مبتنی بر دامداری، کشاورزی و صنعتی یاد می‌کنند، آنانی که اتکای تمدن را بر پارادایم‌ها قرار داده‌اند از سه نوع تمدن مبتنی بر طبیعت‌گرایی، فطرت‌گرایی و قراردادگرایی نام می‌برند و آنانی که مجازی تمدنی را بر نوع فهم و ادراک و دریافت‌های بشر قرار داده‌اند از تمدن‌های افسانه‌ای، دینی و عقلی و تجربی یاد می‌کنند و دوره معاصر جدال تمدنی بر مدار عقل و تجربه از یک سو و فطرت و هدایت الهی از سوی دیگر است.

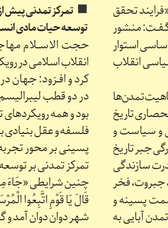

■ **تمرکز تمدنی پیش از انقلاب**

**توسعه حیات مادی انسان‌ها بود**

حجت الاسلام مهاجرنیا سپس به نقش تحولی انقلاب اسلامی در رویکرد تمدنی دنیای معاصر اشاره کرد و افزود: جهان در عصر زایش انقلاب اسلامی در دو قطب لیبرالیسم و سوسیالیسم سامان یافته بود و همه رویکردهای تمدنی با عبور از فطرت، وحی، فلسفه و عقل بنیادی در مدار پارادایم قراردادگرایی و پسینی بر محور تجربه و عقل ابزاری قرار گرفته بود. تمرکز تمدنی بر توسعه حیات مادی انسان‌ها بود. در چنین شرایطی «جَاءَ مِنْ أَقْصَى الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ» مردی از دورترین جای شهر دوان دوان آمد و گفت: ای مردم، از وحی و فطرت و رسولان خدا پیروی کنید.

انقلاب اسلامی ایران پیام‌آور این حرف جدید در عصر پایان دین و ایدئولوژی بود. پیام تمدنی انقلاب اسلامی این بود که بیایید بر اساس طبیعت، فطرت انسانی و وحی الهی و عقل جهان‌شمول بشری و بهره‌گیری از تجربه‌های سودمند جوامع، «تمدن نوین اسلامی» را بسازیم.

استاد فلسفه سیاسی در پایان به اصول فکری تمدن‌سازی انقلاب اسلامی اشاره کرد و گفت: انقلاب اسلامی منشور تمدن‌سازی خود را با چند اصل اساسی طرح کرد و این اصول اساسی فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی هستند:

نخستین اصل اساسی، احیای پارادایم وحیانی، فطری و عقلی؛ دوم بازگشت به انسان تراز عقل و وحی؛ سومین اصل بازگشت به حاکمیت الهی و قوانین و سنت‌های وحیانی؛ چهارم اصول پذیرش نقش تحولی مردم و گسترش مشارکت حداکثری در تغییر و تحول در عرصه سرنوشت اجتماعی خود؛ ششمین اصل حرکت و مدیریت جهادی در ایجاد تحول و اصلاح حیات سیاسی و اجتماعی؛ هفتم مبنی بر طریق اعتدال و عقلانیت؛ اصل هشتم پذیرش اصل حقوق و تکالیف؛ نهم احترام به دستاوردهای علمی و عملی و تجربه‌های عقلانی بشر بود و سرانجام فعال‌سازی سازوکارهای متغیر اقتضایی دین در راستای اصول ثابت آن، دهمین اصل تمدن‌سازی نوین انقلاب اسلامی به شمار می‌آید.

خبر

به همت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی صورت پذیرفت

# رونمایی از ترجمه ۱۲ جلدکتاب باموضوع اسلام، وحدت وتقریب مذاهب اسلامی

در مراسمی از ترجمه ۱۲ جلد کتاب درباره وحدت اسلامی، تمدن نوین اسلامی و جهان اسلام رونمایی شد. به گزارش شبستان، مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی با مشارکت مجمع تقریب مذاهب اسلامی از مجموعه‌ای از کتاب‌های ترجمه و منتشر شده به زبان‌های خارجی با موضوع «اسلام، وحدت و تقریب مذاهب اسلامی» رونمایی کرد.

مجموعه‌ای از کتاب‌های ترجمه و منتشر شده به زبان‌های خارجی با موضوع «اسلام، وحدت و تقریب مذاهب اسلامی» از مجموعه‌ای از کتاب‌های با همکاری مجمع تقریب مذاهب اسلامی و مرکز ساماندهی ترجمه و نشر معارف اسلامی و علوم انسانی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی رونمایی شد.

کتاب‌های «تمدن نوین اسلام در کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای» به زبان صربی منتشر شده در صربستان، «محمد پیامبری برای همیشه» تألیف دکتر حسن رحیم پور ازغدی، «وحدت اسلامی، بیداری اسلامی» تألیف دکتر محمدحسین امیر اردوش، «پیامبر و قصه‌هایش» تألیف غلامرضا حیدری ابهری و «وحدت اسلامی در کلام حضرت آیت الله خامنه‌ای» به زبان اردو منتشر شده در پاکستان، «یامداد انور خواجه» تألیف عبدالحسین زرین‌کوب به دو زبان روسی و ایتالیایی منتشر شده در روسیه و ایتالیا، «کارنامه اسلام» تألیف عبدالحسین زرین‌کوب به زبان ایتالیایی منتشر شده در ایتالیا، «سهم دانشمندان مسلمان در پیشبرد علوم» تألیف شهید مفتح به دو زبان سینهالی و تامیلی منتشر شده در سریلانکا و «خدمات متقابل اسلام و ایران» تألیف شهید مطهری به چهار زبان قرقیزی، تائی، اردو و بنگالی منتشر شده در قرقیزستان، تایلند، پاکستان و بنگلادش در این آیین رونمایی شدند.



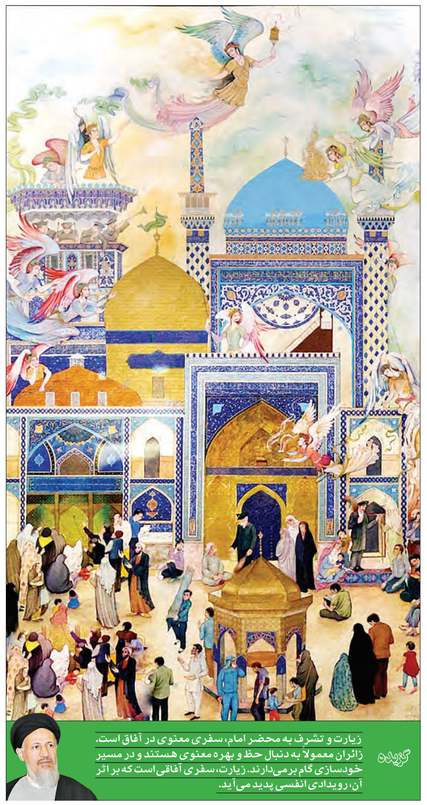

زیارت و تشرف به محضر امام، سفری معنوی در آفاق است. زائران معمولا به دنبال حظ و بهره معنوی هستند و در مسیر خودسازی گام برمی‌دارند. زیارت، سفری آفاقی است که بر اثر آن، رویدادی انفسی پدید می‌آید.

کاریکاتور

حجت الاسلام والمسلمین سیدمحسن دعائی

در نخستین همایش ملی «الهیات شهر» مطرح کرد

# مشهد الرضا و هویت بخشی به تمدن نوین اسلامی



پارسا نیکوکار| همایش ملی «الهیات شهر» روز چهارشنبه در سالن شورای پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد آغاز شد. در نخستین نشست این همایش، حجت الاسلام والمسلمین سیدمحسن دعائی، مدیرعامل مؤسسه مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلام با موضوع «سه‌گانه زائر، مجاور و خادم و نسبت آن با مفهوم شهروندی در شهر مشهد» به سخنرانی پرداخت که در ادامه مشروح آن را می‌خوانید.

■ **ضرورت تقویت «معرفة الامام(ع)»**

عنوان بحث، مشهد الرضا؛ هویت‌بخش تمدن نوین اسلامی با الهام از فرهنگ رضوی است. لازم می‌دانم بحث خود را در قالب پنج نکته مطرح کنم. نکته اول درباره صلوات خاصه است.

۶ ویژگی برای حضرت در صلوات خاصه ذکر می‌شود. نخستین آن واژه بسیار بسیار پرمحتوای «امام» است. خود حضرت رضا(ع) در حدیث شریف که در زمان حضورشان در بلخ فرمودند برای امامت ۸۲ ویژگی، صفت، شئون وجودی و برکات قابل توجه ذکر می‌کنند.

آن روایت واقعاً دیدنی و قابل توجه است. امام، حجت الهی هستند بر همه کسانی که روی زمین‌اند و یا در خاک آرمیده‌اند. «حُجَّتُكَ عَلَى مَنْ فَوْقَ الْأَرْضِ وَ مَنْ تَحْتَ الثَّرَى»، ایشان صدیق و شهید هستند. سرتاسر هستی مبارک ایشان مملو از خیر و راستی است و حضرت، بر همه شبکه هستی از اعلی مراتب قرب و دنوّ حق‌تعالی تا جمیع عوالم هستی و پایین‌ترین مراتب وجود اشراف وجودی دارند و شاهدند. حال سؤال اساسی این است این هویت الهی، الان در همین زمان حیّ و قابل دسترس است یا نه از دسترس خارج است؟

بدون شک و مبتنی بر ده‌ها دلیل برهانی و یقینی؛ چه براهین عقلی و چه ادله قطعی نقلی، امام معصوم و نهاد امامت و خلافت الهی، حی، حاضر، شاهد، در دسترس، فعال به معنای تمام کلمه در قرون نزول و صعود و دارای بالاترین نقش در هدایت فیض‌های تکوینی و تشریعی الهی در ماسوی الله هستند.

ساده‌ترین و دم‌دست‌ترین این ادله را در اذن دخول به حرم‌های مطهر حضرات معصومین می‌توانیم بخوانیم؛ «اَشْهَدُ اَنَّكَ تَرَى مَقامی وَتَسمَعُ كَلامی وَتَرُدُّ سَلامی» شهادت می‌دهم تو محل ایستادن من را می‌بینی، کلام من را می‌شنوی و سلام‌های عاشقانه، مؤدبانه، خاضعانه و عارفانه من را جواب می‌دهی. تو جواب سلام می‌دهی، پس تو در اوج حیات به سر می‌بری، باید در بحث‌هایی نظیر آنچه در این جلسه نورانی به آن می‌پردازیم «معرفة الامام(ع)» را تقویت کنیم. به نظر می‌رسد در امام‌شناسی دارای ضعف باشیم.

■ **زیارت، سفری آفاقی با رویدادی انفسی**

نکته بعدی اینکه شخصیتی با این ویژگی‌ها در یک شهر یا محلی آرمیده است، یا وجود این، این محل مهبط ملائکه در کل شبانه‌روز می‌شود. بنابراین از یک سو با همه عوالم ملکوت ارتباط برقرار می‌کند و از سوی دیگر محل تردد صدها و میلیون‌ها زائر مشتاق است؛ یک ارتباط عمودی تا اقصی مراتب هستی و یک ارتباط افقی تا اقصی مکان‌هایی که یک شیعه و اهل دل و زائر و مشتاقی زندگی می‌کند.

علی القاعده این محل باید دارای چه ویژگی‌ها و برجستگی‌هایی باشد تا نخست ظرفیت بهره‌برداری از مواهب نفس قدسی امام راکد نمانده و بیشترین بهره‌برداری برای تمام افراد فراهم شود و دوم حرمت و قداست این ولی اعظم الهی کاملاً حفظ شده و خدشه‌ای به آن وارد نشود. واضح است الان بنده مبتنی بر معارف مکتب تشیع سخن می‌گویم. کمی به این موضوع بپردازیم و بسیار مختصر، آموزه زیارت را واکاوی کنیم. زیارت و تشرف به محضر امام، سفری معنوی در آفاق است. زائران معمولاً به دنبال حظ و بهره معنوی هستند و در مسیر خودسازی گام برمی‌دارند.

برای تشنگی درونی خویش شهد شیرین و گوارا می‌جویند، می‌کوشند خود را پروش دهند و به آرامشی ماندگار نائل شوند. زیارت، سفری آفاقی است که بر اثر آن، رویدادی انفسی پدید می‌آید. چقدر قرآن زیباست! می‌فرماید: «سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ...» (فصلت: ۵۳).

امام مدیریت قلب را عهده‌دار است. وقتی به امام متوسل می‌شویم یا به زیارت او می‌رویم می‌خواهیم خود را در معرض نفس اسما و صفات الهی قرار دهیم. چرا؟ چون امام تجلی‌گاه اسما و صفات الهی است.

باید متوجه باشیم فرهنگ زیارت در اسلام بسیار غنی، جامع و گسترده پردازش شده است. صدها روایت، ابعاد این موضوع را تابش نموده و آداب و اهمیت آن را بازگو کرده است. مثلاً داریم وقتی دو برادر ایمانی به زیارت می‌روند مانند فصل پاییز که برگ‌ها می‌ریزد، از میان دو دست این دو برادر ایمانی، گناهان آن‌ها می‌ریزد.

چقدر امثال این روایات، سوژه‌های زیبا برای تفکر و تأمل هستند. حال اگر یک برادر ایمانی از دنیا رفت، اسلام به زیارت قبر او تشویق نموده است. خود این تشویق و استحباب حاوی چه پیام‌های شگرفی است. از غره نشدن به دنیا، از داشتن هدف متعالی در زندگی، فرار کردن از دنیازدگی و دنیاگرایی و امثال این‌ها.

اما اگر ما به زیارت عالمان و عارفان و اولیای الهی در دنیا برویم یا به زیارت قبور آن‌ها شرفیاب شویم این‌ها برای ما پیام دارند، ما را به علم‌آموزی و معنویت‌جویی دعوت می‌کنند.

هر چه درجه معنویت و عرفان شخص مزور بالاتر باشد، علاوه بر الهام‌بخشی، می‌تواند تأثیر تکوینی هم در ما بگذارد. کرامت‌ها، معجزات، شفا یافتن‌ها، از همین‌جا موجه می‌شوند و در اوج، زیارت قبور پیامبر و ائمه اطهار(ع) قرار دارد که از نظر ولایت تکوینی و تشریعی در اوج هستند.

بنابراین افزایش علم، افزایش معنویت، درمان دردهای بی‌درمان و رسیدن به آرامش و باز شدن قفل‌هایی که جز با تشرف به محضرشان باز نمی‌شود، گوشه‌ای از برکات این زیارت‌هاست.

■ **تقسیم‌بندی ارتباطی مبتنی برمفاهیم زائر، مجاور و خادم**

سومین نکته، نگاه جامعه‌پردازانه و امت‌سازانه به موضوع و مسئله است. در هر تمدنی و در فضای بحث مهندسی فرهنگی، باید پایگاه‌های فرهنگی حفاظت شود. این موضوع اهمیت راهبردی دارد و همه تمدن‌ها و ملت‌ها هم به این مسئله مقید هستند. شهرهای زیادی در دنیا پایگاه‌های فرهنگی هستند، در رفتار مدیران آن شهرها و ساکنان و شهروندان آن منطقه، قابل بازدید و رصد است.

اگر بخواهیم هویت فرهنگی شهرهای اینچنینی حفظ شود و تداوم یابد باید الزاماتی را پیدا بپریم. بر این اساس ما برای هویت فرهنگی شهر مشهدالرضا تعریفی بسیار دقیق، عمیق و جامع در نظر داریم؛ یکی از لوازم حفظ فرهنگی شهر، چینش و تقسیم‌بندی مردم در ارتباط با آن شهر است که می‌تواند مبتنی بر نوع فرهنگ حاکم و مکتب فرهنگی حاکم در آن شهر متفاوت باشد.

در شهرهای قدسی و مقدس مانند مشهد، بر اساس فرهنگ اسلامی، کسانی که به این شهر می‌آیند و قصد زیارت آن امام بزرگ مدفون در آن شهر را دارند، از حرمت خاصی برخوردارند. اینجا واژه «زائر» متولد می‌شود.

ساکنان این شهر دارای احترام خاص بوده و وظایف ویژه‌ای بر عهده دارند. اینجا مفهوم «مجاور» به وجود می‌آید. اینجا مفهوم «خادم» متولد می‌شود. همه این سه قشر دارای آداب و رسوم و ارزش‌های فرهنگی و سبک زندگی خاص و ویژه هستند.

گفتمان امام

نگاهی به نکات فقهی بیانات رهبر انقلاب

# وظیفه نخبگان در قبال جامعه اسلامی چیست؟

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اخیر نخبگان کشور به شرح جایگاه نخبگان در کشور و وظایف آن‌ها در قبال جامعه و مردم پرداختند. فارس در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام هادی عجمی، نویسنده و کارشناس فقه فرهنگ نکات فقهی سخنان رهبر معظم انقلاب را بررسی کرده است.

حجت الاسلام عجمی درباره شرایط تحلیل سخنان اشخاص به‌خصوص فقها گفت: در تبیین و حاشیه زدن بر سخنان هر فردی، ابتدا لازم است به منظومه فکری و روش تفکری آن فرد توجه داشت. وقتی سخنان یک فقیه را می‌شنویم و می‌خواهیم تحلیلش کنیم، لازم است با روشی فقهی، سخنانش را بررسی کرد و حاشیه زد.

■ **جایگاه نخبگان در کشور**

عجمی با اشاره به دو نکته مهم در سخنان رهبر معظم انقلاب در دیدار اخیر نخبگان کشور گفت: آیت‌الله خامنه‌ای به بیان جایگاه و وظیفه نخبگان پرداختند که درباره جایگاه نخبگی فرمودند: عزیزان من، نخبگی یک نعمت الهی است، یک موهبت خدایی است و نعمت الهی را باید شکر کرد. نکته دوم:... آن چیزی که نخبه را نخبه می‌کند، علاوه بر استعداد و ظرفیت ذهنی، فدرشناسی از این حقیقت و از این نعمت است؛ از این [نعمت] فدرشناسی بشود و بر اساس آن، کار و تلاش انجام بگیرد.

■ **وظیفه نخبگان از منظر رهبر معظم انقلاب**

این کارشناس فقه فرهنگ ادامه داد: رهبر معظم انقلاب درباره وظیفه نخبگان در کشور فرمودند: ما امروز باید فاصله خودمان را با مرز دانش جهان پر کنیم، ما فاصله داریم. همچنین فرمودند: نخبگان... باید به مسائل کشور فکر کنند، مسئله‌محور کار کنند؛ مسئله‌محوری مهم است،... یکی از مسائلی که مورد تکیه و توجه و تعمیق واقع می‌شود، مسئله هوش مصنوعی باشد که در اداره آینده دنیا نقش خواهد داشت.... در بعضی از دانشگاه‌ها عناصری هستند که جوان نخبه را به ترک کشور تشویق می‌کنند، من صریح می‌گویم که این خیانت است، این دشمنی با کشور است، دوستی با آن جوان هم نیست.

■ **قاعده نفی سبیل / تسلط کفار بر مسلمانان ممنوع**

وی با اشاره به وجود دو قاعده کلی در فقه گفت: در فقه، درباره دو قاعده فقهی بحث‌های زیادی شده است، قاعده نفی سبیل و عزت اسلامی. این دو قاعده دو روی یک سکه هستند که قاعده نفی سبیل از آیه «وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» برداشت شده است. برپایه این قاعده هر «حکم» فقهی که سبب تسلط کافر بر مؤمن شود، برداشته می‌شود.

برای نمونه پدر و جد پدری از منظر فقهی بر بچه ولایت دارند، اما اگر این بچه مسلمان شد و پدر کافر بود، ولایت پدر برداشته می‌شود، زیرا سبب تسلط کافر بر مؤمن می‌شود. این نفی ولایت بسیاری از احکام اولیه را محدود می‌کند و پیامدهای فراوانی دارد. فلسفه قاعده نفی سبیل، حفظ عزت مسلمانان است.

■ **قاعده عزت اسلامی / نفی سبیل حداقل عزت مسلمانان است**

این کارشناس مذهبی ادامه داد: قاعده عزت اسلامی یک درجه بالاتر است. در قرآن و روایات یک اصل مهم این است که عزت مسلمانان باید همواره حفظ شود. قاعده عزت اسلامی، دایره وسیعی دارد که حداقل آن نفی سبیل است، یعنی حداقل عزت این است که کفار بر مسلمانان تسلط و راه (سبیل) نداشته باشند. بیشتر از این حداقل، ایجاد عزت بیشتر برای جامعه اسلامی و مسلمانان است. حجت الاسلام عجمی درباره موضوع عزت اسلامی گفت: قرآن کریم می‌فرماید: «وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ» برپایه این آیه، عزت اختصاص به خدا، رسول و مؤمنان دارد و نباید از دست برود. در آیه دیگر می‌فرماید: «كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» یعنی «الله» و پیروان الله همیشه در مرتبه بلند قرار دارند و نباید این جایگاه آن‌ها خدشه‌دار شود.

■ **نخبگان برای حفظ عزت و کرامت جامعه وظیفه بیشتری از سایر مردم دارند**

وی ادامه داد: حفظ و تقویت عزت مسلمانان وظیفه همگانی است. هر مکلفی موظف به خودداری از آنچه عزت و کرامت جامعه اسلامی را تهدید می‌کند است. در مقابل، باید اعمالی که سبب عزت جامعه اسلامی می‌شود انجام دهد. به همین دلیل این تکلیف کفایی است و هرگاه عده‌ای این کار را انجام دهند، از دیگران ساقط می‌شود. حاکم به دلیل قدرتی که دارد، وظیفه‌ای سنگین‌تر دارد، اما حفظ عزت جامعه اسلامی تنها وظیفه حکومت نیست اما چون وظیفه ویژه دارد اگر در این جهت اقدام نکند ترک فعل کرده است. در این بین، نخبگان نیز به علت نعمت و قدرت خدادادی، وظیفه‌ای ویژه در این عرصه و رفع نیازهای جامعه اسلامی در جهت عزت اسلامی و برداشتن تسلط کفار بر مسلمین دارند.

این کارشناس فقه فرهنگ با اشاره به مراتب عزت اسلامی گفت: آنچه موجب تسلط کفار بر مسلمانان شود حرام و نفی سبیل، واجب است. اما در درجه بالاتر از نفی سبیل، هر آن چیزی است که سبب عزت جامعه اسلامی شود و استحباب مؤکد دارد زیرا عزت اسلامی درجاتی دارد که به یقین نمی‌توان تمامی مراتب آن را واجب دانست.

■ **اشاره بجای رهبر انقلاب به هوش مصنوعی و نقش آن در دفاع از کشور**

عجمی با اشاره به اینکه امروزه تسلط کفار، تنها با حمله و جنگ آبی و زمینی نیست، گفت: این امر شامل جنگ‌های آبی خاکی، اقتصادی، الکترونیک، بیولوژیک، سایبری، شیمیایی، فرهایبی و... می‌شود که در این جنگ، هوش مصنوعی کاربرد بسیاری دارد و همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب درست تشخیص داده‌اند، قدرت یافتن در فضای مصنوعی مقدمه جلوگیری از سیبل و تسلط بیشتر کفار بر مسلمین است. البته مهم‌ترین جنگ‌ها، جنگ فرهنگی است که نقش اول در جنگ رسانه‌ای، هنری و فرهنگی نمود دارد. دو قاعده عزت مسلمین و نفی سبیل بر آن نیز اطلاق دارد و تقابل و آمادگی برای مقابله با تمامی این جنگ‌ها را شامل می‌شود.

■ **کمک به فرار نخبگان حرام است / استفاده درست نکردن از نخبگان سبب فرار آن‌ها می‌شود**

عجمی کمک به فرار نخبگان را امری حرام دانست و گفت: کسانی که به مهاجرت نخبگان کمک می‌کنند، مانع تحقق این امر الهی هستند و فعل حرام و خیانت انجام می‌دهند.

البته عدم ایجاد زمینه استفاده درست از این نخبگان که مقدمه مهاجرت آن‌هاست نیز انجام مقدمه حرام است. همچنین فرار نخبگان، دو لبه دارد، تشویق برخی و نبود بازار کار مناسب و می‌شنوی و سلام‌های عاشقانه، مؤدبانه، خاضعانه و عارفانه من را جواب می‌دهی. تو جواب سلام می‌دهی، پس تو در اوج حیات به سر می‌بری.

■ **تجلی هویت الهی در مفهوم امام**

امام مصطلح و نهاد امامت و خلافت الهی، حی، حاضر، شاهد، در دسترس، فعال به معنای تمام کلمه در قوس نزول و صعود و دارای بالاترین نقش در هدایت فیض‌های تکوینی و تشریعی الهی در ماسوی الله هستند.

■ **اشاره به فرار جمعه‌ای از شهر**

**مسئولیت‌های خود در قبال شهر و اجتماع عمل کنند**

به شهروند ارتقا می‌یابند. یک شهروند، یک عضو رسمی یک شهر، ایالت و یا کشور است. بر اساس این دیدگاه، حقوق و مسئولیت‌هایی را به شهروند یادآور می‌شوند که در قانون پیش‌بینی و تدوین شده است. از نظر حقوقی، جامعه نیازمند وجود یکسری مقررات است که روابط تجاری، اموال، مالکیت، شهرسازی و حتی مسائل خانوادگی را در نظر گرفته و سامان دهد. موضوع حقوق شهروندی روابط مردم شهر، حقوق و تکالیف آن‌ها در برابر یکدیگر و همچنین اصول و هدف‌ها و وظایف و روش انجام آن‌هاست. نحوه اداره شهر، کیفیت نظارت بر رشد هماهنگ شهر و امثال آن، را به عنوان مهم‌ترین اصولی هستند که باید تحت پارادایم عام حقوق اساسی کشور شفاف‌سازی شوند. در واقع حقوق شهروندی، آمیخته‌ای است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر.

شهر، دولت، قوای حاکم و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه تأمین آن بر عهده مدیران شهری یا قوای حاکمه است؛ سه مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها، حقوق شهروندی اطلاق می‌شود. یک شهروند دارای مسئولیت‌های فردی مانند رأی دادن، خدمت در نیروهای نظامی، احترام به قانون و حقوق دیگران، پرداخت مالیات و امثال آن هاست و در قبال آن، دولت هم مسئولیت‌هایی دارد. خرج کردن مالیات برای ارائه خدمت به شهروندان، حفاظت از جان و مال و حقوق و امنیت آن‌ها، امداد در حوادث و بلایا، تأمین بهداشت و سلامتی شهروندان، نگهداری، تعمیر و ساخت جاده‌ها، نگهداری از منابع طبیعی، حفاظت از پس‌اندازهای مردم، کمک به جبران خسارت‌ها در حوادثی مانند سیل، زلزله و خشکسالی و امثال آن. اما مسئولیت‌های اجتماعی هم در این موضوع قابل توجه است.

شهروندان به طور داوطلبانه امکانات خود را برای کمک به پیشرفت و بهبود شهر به کار می‌گیرند. عضویت در سازمان‌ها و کمیته‌های محلی گوناگون، استفاده از تخصص و استعداد آن‌ها در فعالیت‌های شهری، شرکت در نشست‌ها و اجتماعات شهری، حضور در محکمه‌های عمومی و هیئت‌های منصفه، هیئت‌های حل اختلاف، مشارکت در پروژه‌های اجتماعی برای پیشرفت جامعه، یافتن مشکلات و راه‌حل آن‌ها.

نهادهای مردم‌محور می‌توانند با ارائه رفتارهای جدید و نهادینه ساختن آن‌ها در جوامع، نقش مؤثری در ایجاد و بازتولید مفهوم شهروندی ایفا کنند.

■ **بازسازی و دادن صبغه الهی به فرهنگ شهروندی**

حال که با این مفهوم و مختصری حوزه پیرامونی آن آشنا شدیم در قالب بیان نکته پنجم به عنوان آخرین نکته، مسائل را جمع‌بندی می‌کنم.

در پرتو فرهنگ متعالی دینی یا رویکرد جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی، عرض می‌کنیم تمام آنچه مفهوم شهروندی، فرهنگ شهروندی و حقوق شهروندی در بردارد_ چنان‌که ملاحظه فر